

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبائی یزدی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۳۲ - یکشنبه ۹۱/۹/۱۲

امر ششم

آیا اخبار مَنْ بَلَّغَ شامل اخبار ضعیفه‌ای که مشتمل بر امر ضمنی هستند نیز می‌شوند؟ می‌دانیم که امر گاهی مستقل است مانند امر به اکرام عالم و گاهی ضمنی است؛ یعنی آنچه که مورد امر است یک کلّ است که دارای اجزاء مرتبط به هم است مانند صلاة. امر به اصل صلاة استقلالی است اما این امر بر اجزاء و شرایط نماز توزیع و پخش می‌شود و هر جزء و شرطی حظّی از امر به مرکّب دارد. نماز که مرکّب از تکبیر، قرائت، رکوع، سجود و ... است وقتی مورد امر قرار می‌گیرد این امر بر هر یک از اجزاء و شرایط پخش می‌شود و هر یک از این اجزاء و شرایط دارای امر خواهد بود اما این امرها ضمنی هستند یعنی بخشی از امر استقلالی به کلّ صلاة می‌باشند. حال این سؤال مطرح است: همان‌گونه که اوامر استقلالیه مشمول اخبار مَنْ بَلَّغَ هستند آیا اوامر ضمنیه اگر مدلول روایت ضعیفی بودند مشمول اخبار مَنْ بَلَّغَ هستند یا خیر؟ این بحث دارای ثمراتی است که در ادامه توضیح آن خواهد آمد.

دو وجه در عدم شمول اخبار مَنْ بَلَّغَ نسبت به اوامر ضمنیه

بعضی از محققین مدعی شده‌اند که اخبار مَنْ بَلَّغَ شامل اوامر ضمنیه نمی‌شود و بر این مدّعا دو وجه اقامه کرده‌اند.

وجه اول

بلوغ به واسطه‌ی امر ضمنی بلوغ ثواب محسوب نمی‌شود؛ زیرا ثواب مربوط به امر استقلالی است که به

یک کلّ ارتباطی تعلق گرفته است. بنابراین ثواب مذکور ارتباطی به اجزاء ندارد در حالی که اخبار من بَلغ بیان می‌کند اگر ثوابی بر عملی رسید در صورت انجام آن عمل، ثواب به او داده می‌شود اگرچه این حدیث آنچنان که به او رسیده است نباشد.

بنابراین مأمور^۱ به به امر ضمنی، لم یبلغ علیه الثواب، بلکه ثواب بر کلّ بالغ شده است، در نتیجه در مثال استغفار بعد از تسبیحات در نماز، ثواب بر خود نماز است نه بر استغفار یا در غَسَل مسترسل من اللحیة نیز این جزء ثواب ندارد، پس مشمول اخبار من بَلغ نخواهند بود^۱.

نقد و بررسی وجه اوّل در فرمایش بعضی محققین

اینکه مأمور^۲ به به امر ضمنی به گونه‌ای نیست تا مصداق بَلغ علیه الثواب باشد کلامی خلاف واقع است. در بحث اقلّ و اکثر ارتباطی بیان خواهیم کرد که اوامری که به واجبات ارتباطی تعلق می‌گیرد به نوعی تحلیل می‌شود و همه‌ی اجزاء و شرایط، تحت امر ضمنی قرار خواهند گرفت. اگر صلاة فرضاً مشتمل بر ده جزء باشد هنگامی که امر به نماز می‌شود هر جزئی بهره‌ای از امر به کل دارد لهذا می‌توان گفت حَمْد مأمور^۳ به است یا رکوع مأمور^۴ به است، این اوامر همگی ضمنی هستند. به همین میزان نیز ثوابی که به کلّ داده می‌شود به اجزاء و شرایط منبسط می‌شود و نظیر این حالت در بعضی عبادات، مورد تصریح روایات قرار گرفته است؛ مثلاً درباره‌ی حجّ که یک واجب مستقل دارای اجزاء و شرایط ارتباطی است این‌گونه در روایات ذکر شده است که وقتی حاجی رمی جمرات می‌کند فلان مقدار ثواب دارد و یا وقتی طواف می‌کند فلان مقدار ثواب دارد یا هنگام حلق و امثال آن، پس معلوم می‌شود که ثوابی که مربوط به کل است بر اجزاء و شرایط بسط پیدا می‌کند.

در نتیجه می‌گوییم اگر در عبارتی گفته شود استغفار بعد از تسبیحات اربعه فلان مقدار ثواب دارد یا گفته شود استغفار را بعد از تسبیحات انجام دهید و تصریح به ثواب نشود، که به دلالت التزامیه دالّ بر آن است که این استغفار مشمول ثواب است، لامحاله «بَلغ علیه الثواب» صادق خواهد بود.

به تعبیر دیگر از آنجا که مأمور^۵ به به امر ضمنی به این معناست که جزئی از کل است و هر جزئی از کل بهره‌ای از ثواب کل را دارد پس امر به آن مأمور^۶ به ضمنی به معنای بلوغ ثواب بر آن مأمور^۷ به ضمنی است ولو به دلالت التزامی.

۱. منتقى الاصول، ج ۴، ص ۵۳۲.

وجه دوم در عدم شمول اخبار مَنْ بَلَّغَ نسبت به اوامر ضمنیه

در این وجه گفته شده است: ثوابی که در روایات مَنْ بَلَّغَ ذکر شده است ثوابی خاص است که باید به حسب نوع یا کم، مشخص و معین باشد. فرضاً در روایتی بیان می‌شود اگر کسی فلان عمل را انجام دهد «فله اجر عتق رقبة» در این حالت به گونه‌ای نوع ثواب مشخص است اما در مواردی که نوع یا کم ثواب بیان نشده است و تنها اصل ثواب ذکر شده است مشمول اخبار مَنْ بَلَّغَ نخواهد بود؛ زیرا اگر در اخبار مَنْ بَلَّغَ دقت شود عمدتاً این تعبیر دیده می‌شود که: «مَنْ بَلَّغَهُ ثَوَابٌ عَلَى عَمَلٍ» یا «مَنْ بَلَّغَهُ شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ» یعنی ثوابٌ یا شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ با تنوین ذکر شده است، این تنوین نوعی تعیین را افاده می‌کند و این چنین نیست که به منزله‌ی جنس باشد، پس باید به گونه‌ای تشخیص داشته باشد و فرض آن است وقتی امر ضمنی به چیزی می‌شود کمیت یا کیفیت ثواب از آن فهمیده نمی‌شود؛ مثلاً وقتی گفته می‌شود «بعد از تسیحات اربعه استغفار کنید» این عبارت دلالتی بر مقدار ثواب ندارد و تنها به دلالت التزامی فی الجملة طبیعت ثواب را بیان می‌کند، در نتیجه مشمول اخبار نخواهد شد؛ زیرا اخبار مَنْ بَلَّغَ مربوط به جایی است که نوع یا کمیت ثواب بالغ مشخص باشد^۱.

إِنْ قَلَّتْ: بنابر آنچه ذکر شد حتی در اوامر استقلالیه‌ای که کمیت یا کیفیت ثواب مشخص نیست نمی‌توان به اخبار مَنْ بَلَّغَ تمسک کرد.

قَلَّتْ: محقق مذکور معتقد است در این موارد نیز نمی‌توان به اخبار مَنْ بَلَّغَ تمسک کرد. لهذا ایشان معتقدند اخبار مَنْ بَلَّغَ محدوده‌ی کوچک و محدودی را شامل می‌شود و آن مواردی است که مقدار یا نوع ثواب در آن مشخص باشد.

نقد و بررسی وجه دوم در کلام بعض محققین

در دو جهت فرمایشات این محقق را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

اول: بحث صغروی ما با ایشان چنین است که به چه دلیل ادبی معتقدید تنوین دالّ بر نوعی تشخیص است؟!^۲

آری، بعضی موارد که تنوین جانشین مضافٌ الیه است دلالت بر تعیین دارد و یا مواردی که دارای قرینه‌ی خاصه است این معنا را می‌پذیریم مانند: «وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى»^۲ اما در کتب ادبی

۱. همان.

۲. القصص / ۲۰.

تصریح شده است که تنوین در بسیاری از موارد بلکه اکثر موارد برای بیان جنس است، وقتی خداوند می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا»^۱ آیا ماء خاصی مراد است؟! خیر هر مائی را شامل می‌شود و تنوین تنکیر در اصل اگر برای جنس نباشد حداقل آن است که در اکثر موارد مفید طبیعت و جنس است بدون هیچ تشخیصی و در ما نحن فیه نیز ظهور در جنس دارد؛ زیرا بیان می‌کند: «مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ عَلَى عَمَلٍ» یعنی هر گونه ثوابی خصوصاً در مواردی که با لفظ «شیء» آمده است این برداشت واضح‌تر است: «مَنْ بَلَغَهُ شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ». اگر کسی می‌خواست جنس را بیان کند آیا تعبیری از این رساتر وجود داشت!

بنابراین ادعای بعض محققین در این جهت سخنی ناتمام است. مضافاً به اینکه در همین اوامر ضمنیه گاهی تصریح شده است که ثواب خاصی بر امر ضمنی مترتب است؛ مثلاً بیان می‌شود اگر در نماز فلان کار انجام شود فلان ثواب داده می‌شود.

دوم: بحث کبروی ما با ایشان از این قرار است که: اگر بپذیریم اخبار مَنْ بَلَغَ تنها شامل مواردی که ثواب مشخصی ذکر شده است می‌شود، فهم عرفی و عقلایی آن است که ذکر ثواب معین خصوصیتی ندارد و ذکر ثواب معین بیان‌گر فرد اعلیٰ و غالب است تا بیان شود ولو ثواب بسیار بزرگی نقل شده باشد خداوند این ثواب را به عامل آن می‌دهد هر چند این سخن فی الواقع از رسول الله ﷺ صادر نشده باشد. مثلاً وقتی گفته می‌شود: «مَنْ أَحْيَا لَيْلَةَ الْقَدْرِ غُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُهُ وَلَوْ كَانَتْ عَدَدَ نُجُومِ السَّمَاءِ»^۲ به طریق اولیٰ در مواردی که فقط اصل ثواب ذکر شده مشمول اخبار مَنْ بَلَغَ می‌شود.

آیا کسی می‌تواند بگوید اگر گفته شود: «مَنْ أَتَى الْعَمَلَ الْفُلَانِي فَلَهُ الثَّوَابُ» نمی‌تواند مشمول اخبار مَنْ بَلَغَ گردد؟! همگان با مفهوم اولویت و فحویٰ این موارد را مشمول اخبار مَنْ بَلَغَ می‌دانند. بنابراین وجه دوم کلام ایشان نیز ناتمام است.

به نظر ما چه مأمورٌ به استقلال و چه ضمنی، اگر دلیل دالّ بر مطلوبیت آن ضعیف باشد می‌تواند مشمول اخبار مَنْ بَلَغَ باشد.

نکته

در اینجا باید به این نکته توجه داشت: اگر قائل شویم که اخبار مَنْ بَلَغَ به منزله‌ی آیه‌ی نبأ است در حجت قرار دادن اخبار ضعیفه در سنن، لامحاله مأمورٌ به ضمنی جزء مستحبی صلاة یا هر کلّ دیگری

۱. الفرقان / ۴۸.

۲. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ [مَنْ أَحْيَا لَيْلَةَ الْقَدْرِ غُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُهُ وَلَوْ كَانَتْ عَدَدَ نُجُومِ السَّمَاءِ وَ مَنَاقِبِ الْجِبَالِ وَ مَكَائِلِ الْبِحَارِ. (وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۱)

می‌شود و تمام آثار جزئیت بر آن مترتب خواهد بود. به عنوان مثال روایت ضعیفی بیان می‌کند استغفار بعد از تسبیحات اربعه جزء مستحبی نماز است، اگر اخبار مَن بَلَّغَ نبود نمی‌توانستیم بگوییم استغفار جزء مستحبی صلاة است و آثار جزئیت نیز بر آن مترتب نمی‌شد ولی بنابر مبنای منسوب به مشهور اثبات می‌شود استغفاری که خبر ضعیف بر آن قائم شده است جزء صلاة است و در نتیجه آثار جزئیت نیز خواهد داشت. در مورد آثار جزئیت می‌توان به این موارد اشاره کرد:

می‌دانیم قاعده‌ای در نماز وجود دارد که اگر کسی بعد از ورود در جزء دیگر، شک در صحت یا اتیان جزء سابق کند نباید به آن اعتنا کند؛ مثلاً بعد از ورود به اقامه اگر شک در خواندن اذان کرد نباید اعتنا کند یا اگر بعد از حمد شک در تکبیر کرد اعتنا نکند و ... البته این اختلاف وجود دارد که آیا دخول در اجزاء مستحبه نیز مشمول همین قاعده است یا خیر و عدّه‌ای قائلند مشمول این قاعده است و بعید نیست که این مبنا صحیح باشد. حال اگر اخبار مَن بَلَّغَ وجود نداشته باشد و کسی شروع به استغفار بعد از تسبیحات اربعه کند و شک کند آیا تسبیحات را آورده است یا صحیح انجام داده است نمی‌توانیم بگوییم از محل تجاوز کرده است؛ زیرا نمی‌توان گفت استغفار جزء نماز است، لامحاله شک قبل از تجاوز صادق است و باید دوباره تسبیحات را بخواند، اما اگر اخبار مَن بَلَّغَ را مفید جزئیت استغفار برای نماز بدانیم و دخول در جزء مستحب را نیز برای اجرای قاعده‌ی تجاوز کافی بدانیم لامحاله کسی که شروع به استغفار کند و شک کند آیا تسبیحات را انجام داده است یا نه، می‌تواند به شک خود اعتنا نکند و از آن عبور کند.

مثال دیگر اینکه اگر روایت ضعیفی وجود داشته باشد که بیان کند مستحب است مسترسل من اللحیه که خارج از محدوده‌ی وضو است شسته شود، اگر اخبار مَن بَلَّغَ بتواند خبر ضعیف در سنن را حجّت کند می‌توان گفت غسل مسترسل من اللحیه جزء مستحبی وضو است در نتیجه اگر احیاناً کسی آب برای مسح سر یا پا نیاز داشته باشد و جایز بدانیم که فرد می‌تواند از اجزاء مستحبی وضو آب مسح تهیه کند می‌تواند از آب مسترسل لحيه استفاده کند. آری، اگر قائل شدیم از غیر موارد خاصه نمی‌توان آب برای مسح تهیه کرد نمی‌توان از مسترسل لحيه آب اخذ کرد.

همان‌طور که اشاره شد این اثرات بر این مبناست که بپذیریم اخبار مَن بَلَّغَ، اخبار ضعیفه در سنن را حجّت می‌کند.

اما اگر مبنای دیگری را بپذیریم و معتقد شویم که این اخبار بیش از بیان تفضّل خداوند نسبت به کسی که به رجاء ثواب عملی را انجام می‌دهد، نمی‌رساند تنها می‌توان گفت مثلاً استغفار در نماز دارای ثواب است و تفضلاً خداوند ثواب می‌دهد ولی اثبات جزء مستحب نمی‌کند و این اثرات را ندارد. همچنین اگر این مبنا

پذیرفته شود که اخبار مَنْ بَلَغَ برای عنوان «مَا بَلَغَ عَلَيْهِ الثَّوَابُ» استحباب درست می‌کند این اثرات مترتب نخواهد شد؛ زیرا این امور در نماز تبدیل به مستحبات مستقلّی می‌شوند که ظرف اتیان آنها نماز است.

مقرّر: سید حامد طاهری